

النجاسات وأحكامها:

نجاسات و احكام آن

س ۱۲۶ / يحضر البول الاصطناعي في المختبرات العلمية ويحتوي من ناحية تركيبه الكيميائي العناصر التي يحتويها البول الطبيعي، فهل يعتبر نجساً أيضاً؟

پرسش ۱۲۶:

ادرار مصنوعی در آزمایشگاه‌های علمی وجود دارد و از همان ترکیب عناصر شیمیایی که در ادرار طبیعی وجود دارد ترکیب یافته است. آیا نجس محسوب می‌شود؟

ج / لا يعتبر نجساً.

پاسخ:

نجس محسوب نمی‌شود.

س ۱۲۷ / وكذلك يعمل على تفكيك بعض مكونات الأعيان النجسة كالدّم وفصلها، فعند الفصل هل تعتبر الأجزاء طاهرة أم نجسة؟

پرسش ۱۲۷:

و همچنین (در آزمایشگاه‌ها) فرآیند تفکیک و جداسازی برخی مواد تشکیل دهنده عین نجاست مانند خون- را انجام می‌دهند. آیا این اجزای تفکیک شده پاک محسوب می‌شوند یا نجس؟

ج / لا تعتبر نجسة.

پاسخ:

نجس شمرده نمی‌شوند.

س ۱۲۸ / لو انعكس ضوء الشمس بمرآة وما شابه على أرض متنجسة، فهل يكفي ذلك للحكم بطهارتها عند يبوستها، وكذا لو كانت الشمس من وراء النافذة فهل تطهر؟

پرسش ۱۲۸:

اگر نور خورشید از طریق آینه یا شبیه آن بر زمین نجس بتابد، آیا این کار پس از خشک شدنش برای حکم به پاک بودنش کفایت می‌کند؟ و همچنین در صورتی که خورشید از پشت پنجره بتابد آیا پاک کننده است؟

ج/ ضوء الشمس لو انعكس بمرآة أو من خلال نافذة يعتبر مطهراً أيضاً.

پاسخ:

اگر نور خورشید از طریق آینه یا از پشت پنجره بتابد نیز پاک کننده محسوب می‌شود.

س ۱۲۹ / المرضع كثيرة الأطفال، وثوبها لا يأمن النجاسة من (بول وغائط) ما حكم صلاتها وحكم الطهارة؟

پرسش ۱۲۹:

نماز و طهارت زنی که زیاد به بچه‌ها شیر می‌دهد و لباسش از نجاست (ادرار و مدفوع) در امان نیست چه حکمی دارد؟

ج/ يجب تطهير الثوب النجس للصلاة فيه، وإذا كانت لا تعلم أن ثوبها تنجس أم لا فتبني على أنه طاهر. وبول الرضيع (الذكر) يكفي صب الماء على الثوب ليطهر منه، وإذا لم يكن لها غير ثوب واحد فتصلي به في النهار وتطهره من بول الرضيع في الليل.

پاسخ:

پاکیزه کردن (تطهیر) لباس نجس برای نماز خواندن با آن لباس واجب است، و اگر نداند لباسش نجس شده است یا نه، بنا را بر این می‌گذارد که لباسش پاک است. برای پاک کردن ادرار بچه شیرخوار (پسر) ریختن آب بر روی لباس کفایت می‌کند، و اگر جز همین یک لباس، لباس دیگری نداشته باشد در روز با آن نماز می‌خواند و در شب آن را از ادرار بچه شیرخوار پاک می‌نماید.

س ۱۳۰ / إذا سكب الشخص الماء الجاري عند تطهير مجرى البول بدون انقطاع فهل هذا كافياً للطهارة، أم لا بد من قطع الماء ثم سكبه؟

پرسش ۱۳۰:

شخصی برای تطهیر مجرای بول (ادرار) آب جاری را بی وقفه می ریزد. آیا همین کار برای طهارت کافی است؟ یا باید آن را قطع کند و سپس (دوباره) بریزد؟

ج/ يكفي أن يستمر سكب الماء بعد زوال عين النجاسة ولا داعي للقطع سواء كان الماء جارياً أم قليلاً يسكب من إناء.

پاسخ:

ریختن آب به صورت مستمر بعد از برطرف شدن عین نجاست- کفایت می کند و دلیلی برای قطع کردن آب وجود ندارد، می خواهد آب جاری باشد و یا آب خیلی باشد که از ظرف می ریزد.

س ۱۳۱ / إذا ما أريد غسل ثوب أو فرش أو ما شابه من بول أو غيره فما هو الحكم فيما إذا غسل بالماء الجاري أو القليل من حيث تعدد الغسلات وعدمه؟

پرسش ۱۳۱:

اگر بخواهم لباس، فرش یا شبیه آن را از ادرار یا موردی دیگر بشویم حکم شستن آن با آب جاری یا قلیل از نظر تعداد دفعات شستن چیست؟

ج/ في الماء القليل لابد من غسلتين؛ الأولى: تزال فيها عين النجاسة والثانية: غسلة التطهير، وفي الماء الجاري يمكن الاكتفاء بصب الماء على عين النجاسة حتى تذهب أوصافها ويغلب عليها الماء عندها يكون الموضع طاهراً.

پاسخ:

با آب قلیل باید دو بار شسته شود: اول: از بین بردن عین نجاست و دوم: شستن به جهت تطهیر (پاکیزه کردن). با آب جاری می توان به ریختن آب بر روی عین نجاست بسنده نمود تا هنگامی که ویژگی های آن از بین برود و آب بر آن غلبه کند، در این صورت آن موضع پاک شمرده می شود.

س۱۳۲ / غسلة إزالة العين النجسة هل تحسب من ضمن الغسلات

أم لا ؟

پرسش ۱۳۲:

شستن برای از بین بردن عین نجاست آیا جزو شستن‌ها محسوب می‌شود یا خیر؟

ج/ قد تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ در جواب پیشین گفته شد.

س۱۳۳ / ما يصيب بدن الإنسان أو ثوبه أو ما هو بقربه أثناء

غسل ذلك الشيء ما هو حكمه ؟

پرسش ۱۳۳:

هنگام شستن آن شیء، آنچه به بدن انسان یا لباسش یا چیزی که هنگام شستن در نزدیکی‌اش است برخورد می‌کند حکمش چیست؟

ج/ لا ينجسه إلا إن كان ما أصابه هو عين النجاسة أو ماء تغير

بأوصاف عين النجاسة. والماء المتنجس نجس ولكنه لا ينجس غيره

بملاقاته إلا إن كانت أوصافه قد تغيرت بأوصاف عين النجاسة أو

تميزت فيه عين النجاسة.

پاسخ:

آن را نجس نمی‌کند مگر اینکه آنچه به آن برخورد می‌کند عین نجاست یا آبی که ویژگی‌هایش به ویژگی‌های عین نجاست تغییر کرده است باشد. آب متنجس (نجس شده) نجس است ولی در صورت تماس با چیز دیگر آن را نجس نمی‌کند مگر اینکه خصوصیاتش به خصوصیات عین نجاست تغییر پیدا کرده یا عین نجاست در آن مشخص باشد.

س۱۳۴ / الغسالة إن لم تتميز فيها عين النجاسة أو أحد صفاتها

الثلاثة هل يمكن التطهر بها ؟

پرسش ۱۳۴:

اگر در آب غسله عین نجاست مشخص نباشد یا یکی از خصوصیات سه‌گانه‌اش را نداشته باشد، آیا با این آب می‌توان تطهیر کرد؟

ج/ لا يمكن التطهر بها.

پاسخ:

نمی توان با آن تطهیر نمود.

س ۱۳۵ / متى يجب العصر أو الدلك، وكم مرة يكون ذلك؟ وهل تعتبر اليدان أثناء العصر متنجستان؟

پرسش ۱۳۵:

چه هنگامی فشردن یا چلانیدن واجب است و چند مرتبه؟ و آیا دست‌ها در هنگام شستن نجس می‌شوند؟

ج/ يجب العصر عندما يكون هو الوسيلة لرفع وإزالة عين النجاسة ولا عدد له بل ربما تكفي مرة أو أكثر وتعتبر اليد متنجسة ولكن إن بقي يستعمل نفس اليد في إتمام غسلة التطهير فتطهر يده مع المغسول.

پاسخ:

هنگامی که فشردن، ابزاری برای زدودن و از بین بردن عین نجاست باشد واجب است و تعداد مشخصی برایش مطرح نیست؛ چه بسا یک مرتبه کافی باشد و یا دفعات بیشتر. دست نجس می‌شود ولی اگر خود دست تا پایان تطهیر به کار گرفته شود، دستش نیز با آنچه شسته می‌شود پاک خواهد شد.

س ۱۳۶ / عند تطهير المشروط بالعصر هل يكفي عصره وهو داخل الماء أو يجب إخرجه منه ثم عصره؟

پرسش ۱۳۶:

اگر در تطهیر، فشردن شرط باشد آیا فشردن شیء (نجس شده) در حالی که درون آب است کفایت می‌کند؟ یا باید از آب خارج و بعد فشرده شود؟

ج/ يكفي عصره وهو في الماء.

پاسخ:

فشردن آن در حالی که درون آب است کفایت می‌کند.

س ۱۳۷ / كيفية تطهير الفرش أو الكاربت، وماذا إذا كان ملتصقاً بأرض البيت ؟

پرسش ۱۳۷:

تطهير فرش یا زیرانداز در صورتی که به کف زمین خانه چسبیده باشد چگونه انجام می شود؟

ج/ بالماء القليل كما بينت سابقا لابد من غسلتين غسلة إزالة عين النجاسة وغسلة التطهير فلو فرضنا أن على الفرش الثابت بول يراد تطهيره بماء قليل فالطريقة تكون أولاً: يصب ماء على موضع البول حتى يستوعب الماء الموضع ثم يرفع الماء مع النجاسة بقطعة قماش أو إسفنج. ثانياً: يصب ماء على الموضع مرة أخرى ويرفع كذلك بقطعة قماش أو اسفنج وهذه هي غسلة التطهير ويكون الموضع بعدها طاهراً.

پاسخ:

با آب قليل همانگونه که پیش تر بیان کردم- باید دو بار شسته شود: شستن برای از بین بردن عین نجاست و شستن برای تطهير. اگر فرض کنیم بر روی فرش ثابت شده (روی زمین) ادرار باشد و بخواهیم با آب قليل تطهيرش کنیم، به این روش عمل می کنیم: بار اول بر روی مکان ادرار آب میریزیم تا آب بر آن غلبه کند، سپس با یک قطعه پارچه یا اسفنج آب را برمیداریم. بار دوم آب را بر موضع نجس می ریزیم و بار دیگر آب را با قطعه اسفنج یا پارچه جمع مینماییم، این کار، همان شستن تطهير است و بعد از این آن مکان پاک می باشد.

أما بالماء الجاري فيمكن الاكتفاء بسكب الماء الجاري على الموضع حتى يغلب الماء على أوصاف النجاسة.

اما با آب جاری: کافی است یک بار روی موضع نجس آب بریزیم به گونهای که آب بر خصوصیات نجاست غلبه نماید.

س ۱۳۸ / كيفية تطهير أرضية البيت عند تنجسها بالجاري أو القليل ؟ وإذا كان بالقليل فهل يشترط التعدد وتنشيف الماء في الغسلة الأولى ؟

پرسش ۱۳۸:

تطهير كف خانه وقتى نجس شود با آب جارى يا قليل چگونه انجام مى شود؟ اگر با آب قليل انجام شود آيا چند مرتبه آب ريختن و جمع كردن آن در شستن اول شرط است؟

ج/ تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ در پرسش قبلى گفته شد.

س۱۳۹/ كيفية تطهير الأشياء الثابتة كالأبواب وما شابه في البيت بالجاري أو القليل أيضاً؟

پرسش ۱۳۹:

تطهير اشياء ثابت مثل درها و شبيه آن- در خانه با آب جارى يا قليل چگونه انجام مى شود؟

ج/ إن غلب الماء الجاري على النجاسة وأوصافها يطهر الموضع. فبالنسبة لتطهير موضع في باب أو شبك أو شبهها بالماء الجاري يمكن بصب الماء الجاري على الموضع المتنجس في الباب مثلاً وذلك حتى يطهر، والماء المتساقط طاهر إن كان الماء الجاري قد غلب على النجاسة وأوصافها فيه، أما تطهير موضع في باب أو شبك قد تنجس بنجاسة بالماء القليل فيتم بأن تأخذ اسفنجة وتغسّمها بالماء الطاهر حتى تمتلئ بالماء ثم تمسح بها الموضع النجس لرفع عين النجاسة ثم تغسل الاسفنجة وتغسّمها بالماء الطاهر مرة أخرى وتمسح بها الموضع مرة أخرى فتكون هذه المسحة الأخيرة هي غسلة التطهير ويطهر بعدها الموضع.

پاسخ:

اگر آب جارى بر نجاست و خصوصيات آن غالب شود، آن موضع پاک مى شود. برای پاک کردن در يا پنجره يا شبيه آن با آب جارى مى توان آب جارى را بر آن به عنوان مثال مکان نجس شده روى در- ريخت و آن را سايد تا پاک شود، و اگر آب بر نجاست و اوصاف آن غلبه پيدا کند آبى که فرو مى ريزد پاک است. اما در مورد پاک کردن موضعى روى در يا پنجره که نجس شده است با آب قليل، ابتدا اسفنجى را در آب پاک فرو ميريم تا پر از آب شود، سپس آن را روى موضع نجس ميكشيم تا عين نجاست رفع گردد. سپس بار ديگر اسفنج را با آب پاک شسته، آن را پر از آب ميكنيم و بار ديگر بر روى موضع ميكشيم که

این مرتبه همان شستن تطهیر است و پس از انجام این کار، آن موضع پاک شده است.

س ۱۴۰ / کیفیت تطهیر تربة السجود إذا أصابها نجاسة؟

پرسش ۱۴۰:

پاک کردن تربت سجده (مُهر) وقتی نجاست به آن برسد چگونه است؟

ج / تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ پیش تر گفته شد.

س ۱۴۱ / ملابس متنجسة بالبول هل تطهر بحركة الغسالة وترك الماء مفتوح عليها بلا عصر؟

پرسش ۱۴۱:

آیا لباس های نجس شده تنها با عملکرد ماشین لباس شویی و ریختن آب روی آن بدون فشار دادن پاک می شود؟

ج / تكفي حركة ماكينة الغسل ولا حاجة لاستعمال اليد معها.

پاسخ:

عملکرد ماشین لباس شویی کفایت می کند و نیازی به فشردن با دست نیست.

س ۱۴۲ / ما حكم اللون المتخلف في الملابس مثلاً بعد غسل الدم أو الغائط؟

پرسش ۱۴۲:

حکم رنگی که بعد از شستن به عنوان مثال خون یا مدفوع- در لباس باقی می ماند چیست؟

ج / طاهر.

پاسخ:

پاک است.

س ۱۴۳ / إذا أصابت النجاسة شيئاً فتنجس ولاقاه شيء آخر فهل ينجس أيضاً، وماذا لو لاقى الثاني شيئاً ثالثاً وهكذا ؟

پرسش ۱۴۳:

زمانی که نجاست به چیزی برسد و نجس شود و آن چیز با چیز دیگری تماس پیدا کند، آیا شیء دوم هم نجس می شود؟ حکم تماس شیء دوم با سوم و به همین ترتیب- چیست؟

ج / المتنجس نجس ولكنه لا ينجس غيره بملاقاته إلا إن كانت أوصافه قد تغيرت بأوصاف عين النجاسة أو تميزت فيه أو عليه عين النجاسة أو احد أوصافها.

پاسخ:

متنجس (شیئی که عین نجاست به آن برخورد کرده) نجس است ولی چیز دیگری با برخورد با آن نجس نمی شود مگر اینکه اوصاف آن شیء نجس شده (متنجس) توسط اوصاف عین نجاست تغییر کرده باشد یا نجاست در آن پیدا باشد و یا عین نجاست یا یکی از خصوصیات آن روی متنجس موجود باشد.

س ۱۴۴ / إذا نجس إنسان بعض ما يتعلق بإنسان آخر كثيابه وطعامه وما شابه فهل يجب عليه إخباره ؟

پرسش ۱۴۴:

اگر کسی برخی از چیزهایی که متعلق به شخصی دیگر است مثل لباس، غذا یا چیزهای دیگر- را نجس کند آیا واجب است به اطلاع او برساند؟

ج / يجب عليه إخباره.

پاسخ:

واجب است به اطلاع او برساند.

س ۱۴۵ / عادة ما ينشر الغسيل على الحبال المثبتة لغرض تنشيفه، فهل تعد (الحبال) من الأمور الثابتة التي تطهر بالشمس عند تنجسها أو لأبد من تطهيرها بالماء ؟

پرسش ۱۴۵:

معمولا چیزهای شسته شده روی طناب پهن می شوند تا خشک شوند. آیا طناب جزو اشیاء ثابت منزل محسوب می شود که هنگام نجس شدن با (تاییدن) خورشید پاک می شود؟ یا حتما باید با آب پاک شود؟

ج/ لا تعد الحبال من الأمور الثابتة.

پاسخ:

طناب جزو اشیاء ثابت به حساب نمی آید.

س۱۴۶/ الحشرات التي تخرج من الأماكن النجسة وتمشي على الفرش هل تنجس ما تمشي عليه ؟

پرسش ۱۴۶:

حشراتی که از جاهای نجس بیرون می آیند و روی فرش ها راه می روند، آیا آنچه بر رویش راه می روند نجس می شود؟

ج/ لا تنجسه إلا إذا نقلت له النجاسة بصورة ظاهرة مرئية.

پاسخ:

آن چیزها نجس نمی شوند مگر اینکه (حشرات) نجاست را به صورتی آشکار و قابل دیدن به آن منتقل کنند.

س۱۴۷/ إذا قطع من الإنسان الحي قطعة لحم من أطراف الأظافر أو من غيرها فما هو حكمها من حيث النجاسة ؟

پرسش ۱۴۷:

حکم قطعه ای گوشت که از اطراف ناخن های یا جاهای دیگر انسانی زنده جدا شود از نظر نجس بودن- چیست؟

ج/ ما ينفصل من الحي من القشور وقطع الجلد الصغيرة التي تنفصل نتيجة الجروح والقروح والحروق و الكدمات و الالتهابات أو من أطراف الأصابع أو الشفة طاهرة.

پاسخ:
آنچه از سطح خارجی و قطعات کوچک پوست در اثر زخم‌ها، دمل‌ها، سوختگی‌ها، کوفتگی‌ها و التهابات یا از اطراف انگشتان یا لب‌ها جدا می‌شود پاک است.

س ۱۴۸/ لو وجد بعض مخلفات حیوانات لها نفس سائلة كذرق الفارة أو ما شابه مع الرز أو غيره مما هو مطبوخ، كيف يتم تطهيره ؟

پرسش ۱۴۸:
اگر بقایای حیواناتی که خون جهنده دارند مثل فضلهٔ موش یا شبیه آن- در برنج یا دیگر پختنی‌ها پیدا شود، چطور می‌توان آن را پاک کرد؟

ج/ لابد أولاً من رفع عين النجاسة إن أمكن ثم تغسل الرز غسلة لرفع المتبقي من عين النجاسة ثم تغسله غسلة ثانية لتطهيره.

پاسخ:
اول باید اگر امکان‌پذیر باشد- عین نجاست برطرف شود، سپس برنج یک بار شسته می‌شود تا باقی‌ماندهٔ عین نجاست برطرف شود، سپس برای مرتبهٔ دوم باید شسته شود تا پاک گردد.

س ۱۴۹/ وماذا لو كان قد رئي في الرز أو ما شابه قبل الطبخ، فهل يجب تطهيره ؟

پرسش ۱۴۹:
و اگر قبل از پخت (نجاستی) در برنج یا مانند آن دیده شود چطور؟ آیا واجب است پاک شود؟

ج/ لابد من تطهير المأكول من النجاسة إن وقعت فيه.

پاسخ:
اگر نجاستی در خوردنی بیفتد حتماً باید آن خوردنی از نجاست پاک گردد.

س ۱۵۰/ ما هو حكم الدم داخل الفم والاذن والأنف ؟

پرسش ۱۵۰:

حکم خون داخل دهان، گوش و بینی چیست؟

ج/ الدم الذي يخرج من الأوعية الدموية نتيجة جرح أو نزف نجس وإن كان في الفم أو الإذن أو الأنف، ولا يجوز ابتلاع الدم الذي ينزف في الفم ويمكن تطهير الفم بغسله بالماء أو بدون ماء ببصق الدم الذي فيه فإن استهلك ما تبقى من اثر الدم في السوائل التي في الفم حكم بطهارة الفم وكذا الأنف.

پاسخ:

خونی که از رگ‌های خونی در اثر جراحت یا خون‌ریزی خارج می‌شود نجس است - حتی اگر در دهان، گوش یا بینی باشد- و بلعیدن خونی که در دهان جاری می‌شود جایز نیست و می‌توان دهان را با شستن با آب یا بدون آب (با بیرون انداختن خونی که در دهان است) تطهیر نمود؛ اگر اثرهای خون باقی مانده در آب دهان حل شده و از بین رفته باشد، حکم به طهارت آن می‌شود. در مورد بینی نیز حکم به همین صورت است.

س۱۵۱/ الدم الذي يجمد على الجرح سواء صار اسوداً أو صار لونه مقارباً للون الجلد هل يكون طاهراً.

پرسش ۱۵۱:

خونی که روی زخم‌ها لخته و خشک می‌شود چه رنگش سیاه شود یا تقریباً هم‌رنگ پوست شود آیا پاک است؟

ج/ الدم إذا جمد وصار لونه اسوداً يبقى نجساً، ولكن إن استحال وتغير لونه إلى لون مقارب للجلد فيحكم بطهارته.

پاسخ:

خون اگر خشک و رنگش سیاه شود نجس باقی می‌ماند، اما اگر استحاله شود و رنگش تقریباً به پوست رنگ تغییر یابد حکم به طهارتش می‌شود.

س۱۵۲/ ما حكم دم المتبرع الكافر أو الناصبي إلى المسلم ؟

پرسش ۱۵۲:

حکم خونی که کافر یا ناصبی به مسلمان اهدا می‌کند چیست؟

ج/ لا إشكال فيه.

پاسخ:
اشکالی ندارد.

س۱۵۳/ ما هو حكم البيضة التي تحوي قطرات دم؟

پرسش ۱۵۳:
حكم تخم مرغی که در آن قطره‌های خون باشد چیست؟

ج/ الدم في بيضة من له نفس سائلة نجس.

پاسخ:
خونِ داخلِ تخمِ حیوانی که خون جهنده دارد نجس است.

س۱۵۴/ هل يجوز شرب الدم من الذبيحة المذكاة لغرض العلاج؟

پرسش ۱۵۴:
آیا نوشیدن خون حیوانی که به صورت شرعی ذبح شده با هدف معالجه- جایز است؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:
جایز نیست.

س۱۵۵/ ما هو حكم ماء الشعير المتعارف شربه اليوم في بلدان

إسلامية؟

پرسش ۱۵۵:
حكم ماء الشعير که امروزه نوشیدن آن در کشورهای اسلامی متعارف است چیست؟

**ج/ إذا تم نقع الشعير ومن ثم استخلاص مائه قبل أن يتخمر
يجوز شربه، وإن تم تخميره فلا يجوز شربه، ولا يحكم بحليته فقط
لأنه صنع في البلاد الإسلامية.**

پاسخ:

اگر جو خیسانده و سپس آب آن پیش از تخمیرش گرفته شود، نوشیدنش جایز است، ولی اگر تخمیر شود نوشیدن آن جایز نیست، و تنها به این دلیل که در کشورهای اسلامی تولید می شود حکم به حلال بودنش نمی شود.

**س۱۵۶/ ما حکم العصير العنبي عند الغلي ولم يذهب ثلثاه ؟ هل
بخاره نجس ؟**

پرسش ۱۵۶:

حکم عصاره انگوری که بجوشد ولی دو سومش نرفته باشد چیست؟ آیا بخارش نجس است؟

ج/ بخاره طاهر.

پاسخ:

بخارش پاک است.

**س۱۵۷/ المسكرات الجامدة كالحشيشة وما شابها من
"المخدرات" هل تعتبر نجسة ؟**

پرسش ۱۵۷:

مسکرات مواد مخدر جامد مثل حشیش و چیزهای دیگر آیا نجس به حساب می آیند؟

ج/ لا تعتبر نجسة وإن كانت محرمة.

پاسخ:

نجس محسوب نمی شوند اگرچه حرام هستند.

س۱۵۸/ هل الترياق من المسكرات المحرمة والنجسة ؟

پرسش ۱۵۸:

آیا تریاک جزو مست کننده‌های حرام و نجس است؟

ج/ كل مسكر سواء كان سائلاً أو جامداً فهو حرام ولا يجوز تناوله اختياراً للسكر، ولكن يجوز استخدام المسكرات لغرض طبي أو صناعي وعندها لا تعتبر نجسة وإن كانت سائلة تبعاً لنية تصنيعها لهذه الفائدة.

پاسخ:

هر مسکری (مست کننده‌ای) مایع یا جامد- حرام است و مصرف آن در حالت اختیار به قصد مستی جایز نیست اما به کارگیری مسکرات برای اهداف پزشکی یا صنعتی جایز است و در این صورت پیرو نیت ساخت آن به منظور این نوع استفاده -حتی اگر مایع باشد- نجس محسوب نمی‌شود.

س ۱۵۹ / العطور التي فيها نسبة من الكحول ما حكمها ؟

پرسش ۱۵۹:

عطرهایی که در آن درصدی از الکل وجود دارد چه حکمی دارند؟

ج/ إذا كانت كحولاً صنعت للفائدة الصناعية وليس للسكر فتعتبر طاهرة ولا إشكال في استخدامها في العطور أو الدهان أو التعقيم.

پاسخ:

اگر الکل به قصد استفاده صنعتی ساخته شده باشد و نه برای مستی، پاک محسوب می‌شود و به کارگیری آن در عطرها یا روغن‌ها یا استریل کردن اشکالی ندارد.

س ۱۶۰ / وعند الشك في ذلك هل يجب الامتناع عنها ؟

پرسش ۱۶۰:

و اگر در این خصوص شک و تردید داشته باشیم آیا پرهیز از آن واجب است؟

ج/ عند الشك تعتبر طاهرة ولا يحكم بنجاستها.

پاسخ:

در صورت وجود شك و تردید پاک محسوب می شود و حکم به نجاستش نمی شود.

س ۱۶۱ / ما حکم الاسبیرتو العراقی أو الأجنبي وذلك المستخدم بصیغ الأخشاب، وما حکم طهارته أو نجاسته ؟

پرسش ۱۶۱:

حکم اسپرتوی عراقی یا خارجی (نوعی الكل) چیست؟ از این ماده در رنگ آمیزی چوب استفاده می شود. حکم طهارت یا نجس بودن آن چیست؟

ج/ كل كحول طاهر إلا إذا كان معتاداً استخدامه من أهل المعصية للسكر.

پاسخ:

تمام الكل ها پاک هستند مگر آنکه به طور معمول توسط گناهکاران برای مست شدن استفاده شود.

س ۱۶۲ / بعض الأدوية التي فيها نسبة تخدير عالية فما هو حکمها ؟

پرسش ۱۶۲:

حکم برخی داروهای که درصد بالایی مخدر دارند چیست؟

ج/ يجوز استخدامها وتناولها إذا وصفها الطبيب المختص ضمن الجرعة والمدة التي وصفها.

پاسخ:

به کارگیری و مصرف آن وقتی پزشک متخصص تجویز کند به اندازه دوز مصرفی و در بازه زمانی که پزشک تجویز کرده، جایز است.

س ۱۶۳ / من كان مريضاً وقد راجع الطبيب ووصف له وصفة علاجية بدواء فيه نسبة من الكحول، فهل يجوز له تناول مثل هذا الدواء ؟

پرسش ۱۶۳:

کسی که بیمار است و به پزشک مراجعه می کند و پزشک برای او نسخه ای نوشته که در آن دارو درصدی از الکل وجود دارد، آیا مصرف اینچنین دارویی جایز است؟

ج/ إذا لم يكن الدواء مسكر، ولم يكن الكحول الذي فيه قد صنع ليتناوله أهل الفسق للسکر، يجوز تناول هذا الدواء.

پاسخ:

اگر دارو از مست کننده ها نباشد و الکلی که در آن به کار رفته برای مست شدن اهل فسق و فجور ساخته نشده باشد، مصرف این دارو جایز است.

س ۱۶۴/ ما حکم ما صنع من جلود أجنبية كالجنط والساعات والأحذية وغيرها ولا يعلم بتذكية الحيوان ودبغ جلده ؟

پرسش ۱۶۴:

چیزهایی که از پوست حیوانات در کشورهای بیگانه ساخته می شود مثل کیف، ساعت، کفش و دیگر چیزها- و ذبح شرعی یا دباغی شدن پوست حیوان مشخص نباشد، چه حکمی دارند؟

ج/ لا يحکم بذکاتها.

پاسخ:

حکم به ذبح شرعی بودن آن حیوان نمی شود.

س ۱۶۵/ الجلد المستورد من بلاد أجنبية (غير مسلمة) ويعمل منه البسة من جاکیت (قمصلة) أو غيرها كالأحذية والأحزمة، ما حکم لبسها في الصلاة، وغيرها ؟ حيث لا نعلم بتذکيتها، وطهارتها.

پرسش ۱۶۵:

در مورد پوست های وارداتی از کشورهای بیگانه (غیرمسلمان) که از آن لباس هایی مثل ژاکت (کاپشن) یا دیگر چیزها مثل کفش و کمر بند ساخته می شود، حکم پوشیدن آنها در نماز و غیر نماز چیست؟ چرا که ما علم به ذبح شرعی شدن آن حیوان و پاکی اش نداریم.

**ج/ لا يحكم بتذكيته ولا طهارتها إلا إذا حصل العلم بتذكيته
تذكية شرعية.**

پاسخ:

حکم به تذکیه آن حیوان و پاک بودن (پوست) حیوان نمی شود مگر اینکه علم به تذکیه (ذبح شرعی) بودنش حاصل شود.

**س ۱۶۶/ توضع في بعض البيوت "قنفات" مغلقة بجلود لا يعلم
أصلها، فما حكم الجلوس عليها والاستفادة منها أو ملامستها
برطوبة؟**

پرسش ۱۶۶:

در برخی خانه‌ها، مبلمان با روکشی از پوست‌هایی وجود دارد که جنسش مشخص نیست. حکم نشستن روی آن و استفاده از آن یا لمس آن با رطوبت چیست؟

**ج/ بالنسبة لجلود الميتة نجسة ولكن يجوز الاستفادة منها
والجلوس عليها ولبسها ولا إشكال في ذلك، أما عند ملامستها
برطوبة فيتنجس ملامسها.**

پاسخ:

پوست حیوان مردار نجس است، اما استفاده از آن و نشستن روی آن و پوشیدنش جایز است و اشکالی ندارد، اما هنگام لمس کردن آن با رطوبت، موضع لمس شده متنجس می شود.

**س ۱۶۷/ استعمال فرشاة أسنان مصنوعة من شعر حيوان نجس
العين، ما هو الحكم؟**

پرسش ۱۶۷:

استفاده از مسواک ساخته شده از موی حیوان نجس‌العين (دارای نجاست و ناپاکی ذاتی مثل سگ و خوک) چه حکمی دارد؟

**ج/ شعر نجس العين نجس. أما استعمال فرشاة الأسنان المصنوعة
منه فلا إشكال فيه ولكن لابد من تطهير الفم بعد استعمالها.**

پاسخ:

موی نجس العین، نجس است. استفاده از مسواک ساخته شده از آن اشکالی ندارد اما حتماً باید بعد از استفاده از آن، دهان پاک و تطهیر شود.

س ۱۶۸ / استخدام الأسنان الاصطناعية وكذا الحشوات المستعملة لإصلاح الأسنان هل يجب التأكد من مادتها خصوصاً وان اغلبها أجنبية؟

پرسش ۱۶۸:

در مورد استفاده از دندان‌های مصنوعی و موادی که در پُر کردن و ترمیم دندان‌ها به کار می‌رود، با وجود اینکه بیشتر آنها از کشورهای بیگانه وارد می‌شوند، آیا واجب است از جنس آنها اطلاع بیابیم؟

ج/ يجب التأكد والاطمئنان أنها ليست نجسة ويجوز استعمالها ولكن بالنسبة للمستعمل الآن في معظم دول العالم لا إشكال فيه.

پاسخ:

به دست آوردن اطمینان از نجس نبودن و جایز بودن به کار گیری آنها واجب است. اما در مورد وسایلی که امروزه در بسیاری از کشورهای جهان به کار برده می‌شود، اشکالی در استفاده از آنها وجود ندارد.

س ۱۶۹ / قد تدخل بعض شحوم الحيوانات الغير مأكولة اللحم أو المتنجسة في صناعة الصابون وبعض مواد التجميل والكریميات التي تستعمل لدهن بشرة الوجه والبدن والشعر، فهل يحكم بطهارتها وجواز استعمالها، أو لابد من التأكد منها قبل الاستعمال عند الشك فيها؟

پرسش ۱۶۹:

گاهی چربی حیوانات حرام گوشت یا نجس در صنایع صابون‌سازی یا برخی مواد آرایشی و کرم‌های پوست و بدن و مو به کار گرفته می‌شود. آیا حکم به پاک بودن و جایز بودن استفاده از آنها می‌شود؟ یا در صورت وجود شک و تردید باید پیش از استفاده مطمئن شویم که پاک هستند؟

ج/ لا يحكم بطهارتها إلا إن كانت تركيبتها قد تبدلت.

پاسخ:

حکم به پاک بودنش نمی‌شود، مگر اینکه ترکیش استحاله شده باشد.

* * *

* * *

كان هذا آخر ما دونته من أجوبته عليه السلام، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

این آخرین مطلبی است که از پاسخ‌های امام (علیه السلام) گردآوری کرده‌ام.
والحمد لله رب العالمين
و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و سلم تسليما كثيرا.